



سرزمین آزادگان

ازیرانم از شهر آزادگان



سرزمین آزادگان - آذر ۱۳۹۳

سال ۱ - شماره ۲

صاحب امتیاز:

کانون ایران‌شناسی دانشگاه تهران

مدیر مسئول: مجید خالقیان

سر دبیر: هادک نوروزی

همکاران این شماره:

علیرضا طایران، علی رضایی پویا

رایانامه:

kanooniranshenasi@yahoo.com

راز ماندگاری جشن‌ها

مجید خالقیان

با گذشت هزاران سال از زندگی مردمان ایران زمین، با آمدن و رفتن پادشاهان و سلسله‌های گوناگون، تغییرات و تحولات آیینی و دینی، یورش‌های بیگانگان و... آیین گرامیداشت بسیاری از جشن‌های ایرانی -هرچند با تغییرات و تحولات- زنده است. به راستی چه چیزی باعث ماندگاری این جشن‌های کهن می‌شود؟!

اگر این جشن‌ها را فقط و فقط نوعی جشن‌های دینی بدانیم، طبیعتاً پس از آنکه دین مردم دگرگون شد، جایگاه خود را از دست می‌دادند. آنچه در جشن‌های ایرانی در کنار انگیزه‌های دینی مورد توجه قرار می‌گیرد، جایگاه زیست‌بوم و اسطوره‌ها در این جشن‌ها می‌باشد. به طوری که تقریباً برای همه جشن‌های ایرانی یک انگیزه زیست بومی و یک انگیزه اسطوره‌ای دیده می‌شود. رویدادهای با شکوه و زیبایی مانند آغاز بهار، افزونی گرما، طولانی‌ترین شب سال و ... همواره مورد توجه ایرانیان در گرامیداشت این جشن‌ها بوده است. همچنین انگیزه‌های اسطوره‌ای مانند دوران جمشید، داستان آرش کمانگیر، داستان پیروزی فریدون بر ضحاک و... در منابع به وفور دیده می‌شود (۱).

ادامه در صفحه ۲



سخن نخست

هادک نوروزی

پس از توزیع شماره نخست، خوشبختانه استقبال مطلوبی را از طرف دانشجویان فرهیخته و برخی از اساتید محترم مشاهده کردیم که باعث افتخار ما بود. اما متأسفانه برای چاپ دومین شماره با مشکلاتی روبرو شدیم که حتی تا مرز لغو شدن چاپ این شماره پیش رفت که کمابیش در مطالب صفحات بعد اشاراتی به آنها می‌شود. به هر حال سرانجام با تلاش همه دست اندرکاران کانون ایران‌شناسی این شماره هم به چاپ رسید. در نوشتارهای این شماره با توجه به نزدیکی شب یلدا اشاراتی به یلدا شده است، اگرچه بهتر بود برای گرامیداشت یلدا، مراسمی را برگزار می‌کردیم اما با توجه به مصادف شدن ۲۸ صفر با شب یلدا بنا بر احترامی که برای پیامبر اکرم اسلام (ص) و امام حسن مجتبی (ع) قائل بودیم، سعی بر آن شد که در قالب نشریه یلدا را گرامی بداریم.



تا در سر زلفش نکتی جان گرامی

پیش تو حدیث شب یلدا نتوان کرد

(خواجوی کرمانی)

آیا پروژه شاهنامه شرکت فرانسوی به پایان می‌رسد؟!

پویا نمایی رستم و اسفندیار در تارنمای رسمی این شرکت (www.cyrusprod.com) قرار داشت بسیار جالب توجه و دیدنی بود و خبرها و به روزرسانی‌ها از وضعیت کار در شرایط مطلوبی قرار داشت. اما خبرها حاکی از آن است که مشکلات مالی باعث ایجاد وقفه‌هایی در پروژه شده است.



شرکت Cyrus Productions چند سالی است کار ساخت پویانمایی حرفه‌ای از شاهنامه را در قالب مجموعه شاهنامه شروع کرده است. این شرکت که در کشور فرانسه مشغول به کار است در حال ساختن فیلم پویانمایی رستم و اسفندیار می‌باشد. چند سال قبل، پیش نمایش‌هایی که از

ادامه در صفحه ۳



است اما شاید ورود آن به ساخت اسطوره و شکل گیری چهره‌ای ایزدی برای مهر، ریشه در جایگاه بالای مهرورزی در ایرانیان داشت.

هنگامی که شب یلدا فرا می‌رسید، ایرانیان آتش می‌افروختند تا تاریکی و عاملان اهریمنی نابود گردند. در این شب مردم گرد هم آمده و با خوردن و نوشیدن، شادی و گفتگو که پر از مهرورزی بود این شب را به سر می‌آوردند. چنین آیین‌هایی نوعی کارکرد اجتماعی برای این جشن بوجود آورد. از کارکردهای اجتماعی چنین جشنی، افزایش همبستگی اجتماعی در میان مردم و همچنین اهمیت بلندتر شدن روزها برای کشاورزی که معاش اصلی مردم را تشکیل می‌داد، می‌باشد.

گرچه در دوره‌ای انگیزه‌های دینی برای این جشن بسیار با اهمیت بود اما در ادوار بعدی ماهیت دینی چنین پدیده‌ای به تدریج رنگ باخت و در مواردی نیز تحول در ساختار چنین جشنی بوجود آمد. فال حافظ یکی از این موارد می‌باشد که بعدها به این جشن اضافه شد. تفأل زدن به دیوان حافظ که در اندیشه ایرانی انسان را مایوس نمی‌کند، مهم تلقی شد. کرسی نیز یکی دیگر از این موارد به حساب می‌آید بطوریکه مردم در چنین شبی دور کرسی نشسته و به خوردن میوه، آجیل و شیرینی مشغول می‌شدند و با یکدیگر گفت و گو کرده و به شادی می‌پرداختند. با اینکه در ادوار بعدی ماهیت دینی چنین جشنی دیگر نقش سابق را ایفا نمی‌کرد اما همچنان در افزایش همبستگی اجتماعی و مهرورزی جمعی (جویای احوال یکدیگر شدن، گفتگو با یکدیگر، جشن و سرور و غیره) و ارضای روانی کارکرد داشت.

با گذر زمان و تحول در اقتصاد و بوجود آمدن کلان شهرها و غالب شدن اقتصاد پولی و تکنولوژی‌های نوین، ساختار جشن شب یلدا نیز دچار تحول شد. مردمی که در کلان شهرها زندگی می‌کنند، دیگر فرصت کمتری برای کنار هم بودن و جویای احوال یکدیگر شدن را دارند. آنها غالباً از طریق تکنولوژی‌های روز از جمله موبایل به یکدیگر این روز را تبریک می‌گویند. امروزه انسان‌هایی که در کلان شهرها زندگی می‌کنند آگاهی کمتری از چنین جشنی دارند و با شنیدن این نام تنها به یاد میوه و آجیل آن می‌ففتند! اکنون پرسش آن است که با وجود فرصت کم و دغدغه‌های زیاد در زندگی کلان شهری، آیا اندکی کنار هم بودن در چنین شبی و جویای احوال یکدیگر شدن و به شادی و سرور پرداختن، نمی‌تواند اندکی از تنش‌های زندگی روزمره در کلان شهرها بکاهد؟ یعنی در واقع آیا نمی‌تواند چنین کارکردی در زندگی مردم کلان شهرها داشته باشد؟

راز ماندگاری جشنها

ادامه از صفحه اول طبیعت همواره در زندگی بشر و حتی شکل گیری باورهای اقوام گوناگون نقش مهمی داشته است و مردمان ایران‌زمین به دلیل پیوستگی‌هایی که با زیست‌بوم خود داشتند، به سختی می‌توانستند جشن‌هایی که با زیست بومشان در پیوند است فراموش کنند.

اسطوره‌ها هم نقش مهمی در ماندگاری و انتقال اندیشه‌ها ایفا کرده‌اند. در اسطوره‌های ایرانی رازهای حکیمانه‌ای نهفته است که کمابیش با ارزش‌های فطری انسانی همراستا می‌باشد. این اسطوره‌ها نوعی حکمت ایرانی را در دل خود جای داده‌اند و حکیم بزرگ جهان، یعنی فردوسی توسی هم به رمز آلود بودن داستان‌ها اشاره کرده است (۲).

به طور کلی به نظر می‌رسد، جشن‌های ایرانی همواره پیوند دهنده انسان با دو موضوع مهم یعنی «زیست بوم آدمی» و «حکمت ایرانی» بوده‌اند و همین پیوندها باعث ماندگاری این جشن‌های کهن شده است.

۱- برای مثال نگاه کنید به: بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد. *آثارالباقیه عن القرون الخالیة*. ترجمه اکبر دانا سرشت. تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۶، صص ۳۳۳-۳۶۰.

۲- تو این را دروغ و فسانه بدان / برنگ فسون و بهانه بدان ... ازو هر چه اندر خورد با خرد / دگر بر ره رمز و معنی برد

کارکرد اجتماعی شب یلدا

علیرضا طایران

شب یلدا همچون دیگر پدیده‌های بشری در گذر زمان دستخوش تحول شده است. ریشه‌های گوناگونی را برای شب یلدا ذکر می‌کنند. در واقع گویی تلقی و برداشت نیاکان ما در دوره‌های گوناگون تغییر یافته است و حتی آنچه که ما امروزه به عنوان شب یلدا می‌شناسیم با یک نوع تلقی متفاوتی همراه است.

یکی از انگیزه‌هایی که برای شب یلدا یا شب چله گفته می‌شود پیوند آن با پیکار نیکی و بدی است. در اندیشه ایرانی شب و روز که نماد اهریمن و اورمزد هستند، مدام با یکدیگر در کشمکش می‌باشند. از آنجا که پس از بلندترین شب سال دوباره روزها بلندتر از شب‌ها می‌شود لذا در تلقی اندیشه ایرانی، روشنایی بر تاریکی غلبه می‌کرد.

اما چنین به نظر می‌آید که شب یلدا با «میترا» و زایش مهر در ارتباط است. درباره میترا گفته‌ها و تحلیل‌های زیادی مطرح شده



آیا پروژه شاهنامه شرکت فرانسوک به پایان می رسد؟!

چه در خارج از ایران برای این آثار هزینه‌های زیادی نمی کند. کارهایی در داخل پیرامون شاهنامه صورت گرفته است که البته بسیار ارزشمند هستند اما بسیاری از آنها با هزینه‌های شخصی ساخته شده است و یا نهادهای سازنده آن هزینه آنچنانی برای این آثار نکرده‌اند. هنگامی هم که شرکت‌های خارجی روی به ساخت چنین آثاری می آورند طبیعی است که با مشکلات زیادی روبرو می شوند و این شرایط بسیار تأسف آور است. ظرفیت‌های بسیار خوبی در این حوزه وجود دارد و تأثیرات بسیار مثبتی خواهد گذاشت اما حمایت‌ها مناسب نیست و ما فرصت بسیار خوبی را از دست می دهیم. ای کاش از داخل ایران حامیانی به سراغ اینگونه شرکت‌ها می رفتند و به مرور با آمدن فناوری‌های پیشرفته به داخل کشور از ظرفیت‌های موجود بیشتر استفاده می کردیم.

ادامه از صفحه اول گرچه این شرکت در زمینه‌های دیگر هم مشغول به کار می باشد اما بیشتر حوزه فعالیت آن به واسطه ایرانی الاصل بودن دست اندرکاران این شرکت به داستان‌های حوزه فرهنگ و تمدن ایران اختصاص یافته است. چند سال پیش در بروشوری که این شرکت منتشر کرده بود «زال پسر سیمرغ» و «هفت خان رستم» را از دیگر کارهای خود معرفی کرده بود اما این روزها دیگر اطلاعاتی از روند این پروژه‌ها در دسترس نیست. البته شروع این کار بسیار ارزشمند و تحسین برانگیز است اما پایان بردن این کار با این وقفه‌های طولانی و این مشکلات مالی تحسین برانگیز تر خواهد بود. به طور کلی ساخت فیلم‌ها و آثار هنری پیرامون فرهنگ و تمدن ایران با مشکلات زیادی روبرو است، چرا که تقریباً هیچ نهاد بزرگی چه در داخل ایران و

کوبانی، پنجشیرک دیگر...

علی رضایی پویا

از نمایشنامه بابک خرم‌دین، اثر استاد عبدالحسین زرین‌کوب:

دیدن جنگ سیاه پوشان شب‌پرست با شیرزنان آزاده، به کنیزی فروختن زنان، جزیه گرفتن‌ها، گروهی سر بریدن‌ها، «نه» گفتن‌ها و با روی سرخ جان دادن‌ها، خون آشامیدن‌ها، با خون آسیاب چرخاندن‌ها و سده‌ها جنگ «دیو بیرقان» و «خورشید درفشان».

روح ایرانی، آن سخن حکیم توس است که: «از ایرانم از شهر آزادگان»، تا جایی که ایران را «سرزمین آزادگان» یا «مُلک الخاضعین» یا «مُلک الاحرار» می نامیدند (و می نامیم). روح آزادگی که در زندگانی بابک موج می‌زد و او بود که یک روز زندگی آزاد را بهتر از سال‌ها بندگی زبون می دانست، روح آزادگی که در سربداران موج می‌زد که سر به دار دادند، اما تن به ذلت ندادند تا به قول

زرین‌کوب: «آخرین دژ انسانیت به دست دیوها نیفتد.»

این مردمان همان مردمانی هستند که یادها از آرش‌ها دارند و نشان‌ها از گردآفریدان و اکنون زن ایرانی که با دست خالی برابر ارتش جهنمی داعش پایداری می کند تا پرچم شب سیاه جای درفش روشنایی را نگیرد...



تندیس شیر زنان کوبانی، اثر هادی ضیاءالدینی

«بابک: من ترجیح می دهم خودم را با تمام این قلعه نابود کنم و اجازه ندهم، این آخرین سنگر انسانیت به دست دیوها بیفتد... چه کار دیگری می توان کرد جز آنکه راه آن نقابدار خراسان را در پیش گیرم؟... در هر تکه چوب، در هر پاره سنگ و در هر ذره خاک این کوهستان، یک ایرانی واقعی خواهند یافت که با تمام وجود خود، با روح و جسم خود، و با زندگی و مرگ خود به آنها «نه» خواهد گفت...» (۱) هر ایرانی (۲) آشنا با تاریخ می داند، سخنی که استاد زرین کوب از زبان بابک خرم‌دین می گوید، سخنی است پربسامد در تاریخ ایران، سخنی که آن را از بابک‌ها، حلاج‌ها و سربداران شنیده‌ایم، از دلیران تنگستان شنیده‌ایم، از دریادار بایندر شنیده‌ایم، از هزاران مدافع خرمشهر

شنیده‌ایم، از مجاهدان پنجشیر شنیده‌ایم و هم اکنون از شیرزنان هم تبار و هم فرهنگمان در کوبانی می‌شنویم.

سخن خلافت و پرچم‌های سیاه و شمشیرهای آخته هم سده‌هاست که می‌شنویم، هر بار هم در یک پوستین و حال داعیه داران جدیدی در همان لباس‌ها و سیاق‌ها.

برای هر ایرانی آشنا با تاریخ خیلی چیزها تداعی می شود از

۱- زرین کوب، عبدالحسین. نه شرقی، نه غربی - انسانی: مجموعه مقالات، تحقیقات، نقدها و نمایشواره‌ها. تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۶. صص ۵۹۰ و ۵۹۳.

۲- در این نوشتار منظور از «ایران»، «ایران فرهنگی» است.



آیا استقلال تشکل‌های دانشجویی در خطر است؟!

نگاهی به مشکلات کانون ایران‌شناسی

جدا از بحث مراسم‌ها در موضوع نشریه هم مشکلات زیادی وجود دارد و باز هم بی‌نظمی زیادی در این بخش دیده می‌شود. در ابتدا تصور می‌کردیم با توجه به آنکه نشریه ما زیر نظر یکی از تشکل‌های فرهنگی دانشگاه است، حمایت بیشتری از آن بشود، همانطور که در بسیاری از دانشگاه‌های کشور نشریات دانشجویی توسط دانشگاه حمایت می‌شوند و در این بین اگر احیاناً از نشریات مستقل حمایت صورت نگیرد، همواره از نشریاتی که زیر نظر تشکل‌های دانشجویی هستند، حمایت صورت می‌گیرد. اما در دانشگاه تهران شرایط منظمی وجود ندارد و کسی که به عنوان کارشناس نشریات مشغول کار است هیچ روش اصولی ارائه نمی‌دهد. معمولاً در دانشگاه‌های کشور حمایت مشخص و منظم صورت می‌گیرد. مثلاً می‌گویند از هر شماره با تیراژ ۵۰۰ آن هم با جلد رنگی حمایت می‌شود اما در دانشگاه تهران هیچ روند مشخصی وجود ندارد. در شماره پیشین همین نشریه «سرزمین آزادگان»، دانشگاه از ما حمایت کرد. اما در این شماره کسی که به عنوان کارشناس نشریات مشغول به کار است به ما گفت از آنجایی که در شماره پیشین حمایت صورت گرفت دیگر از این شماره حمایتی صورت نمی‌گیرد!! و این شماره کاملاً با هزینه شخصی به چاپ رسید. در نهایت باز هم ما نمی‌توانیم برنامه ریزی منظم و دقیقی برای کیفیت نشریات خود داشته باشیم.

به هر حال این شرایط با هر هدفی که بوجود آمده است، باعث تضعیف کانون‌های فرهنگی و از طرفی ورود و دخالت قدرت‌های غیر فرهنگی به تشکل‌های دانشجویی می‌شود. البته همکاری با نهادهای فرهنگی غیر دانشگاهی کار پسندیده و مفیدی است اما اگر وابستگی پیش‌آید آن هم به نهادهای غیر فرهنگی شاید صدمات جبران‌ناپذیری وارد شود. در نهایت شاید در آینده نه چندان دور صرفاً برخی از تشکل‌های وابسته بتوانند فعالیت مستمر داشته باشند. در آن روز است که سیاست زدگی در فضای دانشگاهی بیداد می‌کند.

در این شرایط تصور بفرمایید یک تشکل فرهنگی- دانشجویی بخواهد به صورت کاملاً مستقل و دانشجویی فعالیت فرهنگی کند! نه تالار مناسب در اختیار دارد، نه بودجه خاصی به آن اختصاص پیدا می‌کند و نه در بخش نشریات حمایت مستمر صورت می‌پذیرد! آیا اصلاً می‌تواند کاری انجام دهد؟!

تأسف آور است که این روزها گروه‌های ایران‌ستیز تا این حد فعال شده‌اند و گهگاه می‌بینیم از کشورهای بیگانه حمایت می‌شوند و یا حتی کشورهای بیگانه محصولات کاملاً ایران‌ستیزانه تولید می‌کنند. شرایط به جایی رسیده که بسیاری از فعالیت‌هایی که از خارج کشور سازماندهی می‌شوند، تأثیرات نامطلوبی در داخل کشور ما گذاشته

است؛ تأثیراتی که زنگ خطر آمدن بحران هویتی را به صدا در آورده است. اما ما هیچ اولییتی برای ایران نداریم و حتی پرداختن به دستاوردهای فرهنگی خود و دفاع در برابر این یورش‌های عظیم را بی‌فایده می‌دانیم.

شاید در آینده نه چندان دور صرفاً برخی از تشکل‌های وابسته بتوانند فعالیت مستمر داشته باشند. در آن روز است که سیاست زدگی در فضای دانشگاهی بیداد می‌کند.

تقریباً نیم سال از فعالیت اعضای جدید کانون ایران‌شناسی می‌گذرد. نیم سالی که با دشواری‌های زیادی برای فعالیت همراه بود. مهم‌ترین انگیزه‌ای که باعث شد ما به این کانون وارد شویم دغدغه‌های فرهنگی بود و در نظر داشتیم با پرداختن به ارزش‌های میهنی، تلاش در راستای معرفی چهره راستین فرهنگ ایرانی داشته باشیم و به عنوان کانونی که حوزه فعالیت آن سراسر دانشگاه را در بر می‌گیرد، زمینه را برای فعالیت دانشجویان از همه رشته‌ها که علاقه‌مند به میهن هستند، فراهم کنیم. در شرایطی که ایران‌ستیزی‌ها به اوج خود رسیده است، احساس وظیفه کردیم که بیشتر به ارزش‌های ایرانی بپردازیم و امیدوار بودیم که مسئولین فرهنگی دانشگاه با درک این شرایط از ما حمایت مطلوبی داشته باشند. اما وقتی با مشکلات فراوان روبرو شدیم تأسف ما بیشتر شد چرا که گویی هنوز ایران به عنوان یک اولویت مطرح نیست! در این مجال فرصت نیست که یک به یک مشکلات را برشماریم اما باید گفت در این مدت با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم کردیم. در یک دیدگاه کلی، این مشکلات پیش‌آفتاده به نظر می‌رسد اما تعدد این مشکلات باعث ایجاد سد بزرگی در برابر فعالیت‌های فرهنگی شده است.

یکی از بزرگترین مشکلاتی که کانون ایران‌شناسی در این مدت با آن دست و پنجه نرم می‌کرد، مشکل تهیه تالار مناسب در دانشگاه بود. شاید برای همه ما تعجب آور باشد که مسئولین دانشکده‌ها از تشکل‌های دانشجویی دانشگاه تهران برای دادن تالار، هزینه‌های گزاف طلب می‌کنند! این در حالی است که مسئولین فرهنگی هم از دادن این هزینه خودداری می‌کنند. گویا طلب کردن هزینه برای دادن تالار به تشکل‌های دانشجویی دانشگاه، با تأیید شخص آقای دکتر نیلی صورت گرفته و این موضوع دشواری‌های زیادی را برای فعالیت‌های فرهنگی بوجود آورده است. به طوری که برای برگزاری یک مراسم نیاز به دوندگی زیادی وجود دارد تا شاید یکی از تالارها در اختیار کانون قرار گیرد. ما نمی‌توانیم برنامه ریزی منظمی برای فعالیت‌های آینده و چگونگی کیفیت آنها داشته باشیم چرا که نمی‌توانیم پیش‌بینی وضعیت تالار را بکنیم و همواره این سوال در ذهن ما جای دارد: آیا تالار مناسب در اختیار ما قرار می‌گیرد یا خیر؟! در چند همایشی که کانون ایران‌شناسی برگزار کرد فقط در یک مورد پردیس هنرهای زیبا همکاری کرد و تالار مناسب در اختیار ما قرار داد اما در انتهای مراسم از طرف مسئولین به ما گفته شد که از این به بعد برای گرفتن تالار باید هزینه پرداخت کنید و این یک بار استثناء بود. راه حلی که از طرف مسئولین فرهنگی دانشگاه ارائه می‌شود این است که برای گرفتن تالار، اسپانسر از بیرون دانشگاه تهیه کنیم!

همچنین بودجه‌ای که برای فعالیت‌های کانون در این نیم سال در نظر گرفته شد بسیار بسیار محدود بود به طوری که حتی از حداقل‌ها هم کمتر بود. اگر مهمانان و هنرمندانی که در همایش‌های ما دعوت شدند، با توجه به روحیه میهن دوستی خود به صورت افتخاری حضور پیدا نمی‌کردند، همایش‌های ما هیچ کیفیتی پیدا نمی‌کرد. این بودجه‌های کم باعث مشکلات زیادی شد که به دلیل اختصار، از گفتن جزئیات خودداری می‌کنیم.

هنوز ایران به عنوان یک اولویت مطرح نیست!

گویا طلب کردن هزینه برای دادن تالار به تشکل‌های دانشجویی دانشگاه، با تأیید شخص آقای دکتر نیلی صورت گرفته و این موضوع دشواری‌های زیادی را برای فعالیت‌های فرهنگی بوجود آورده است.